**سرنوشت قریه هر اسکان**

 **صالح، اللهیار**

نخستین بار که نگارنده بکلمهء هر اسکان برخوردم در مطالعهء آثار خواجه‏ افضل‏الدین محمد مرقی کاشانی(بابا افضل)دانشمند بزرگ سدهء هفتم بود که در خاتمهء یکی از رسالات وی نوشته‏اند:«این جوابها آخر سخن خواجه بود.چون‏ بجوار حق پیوست از مرق بمنتخب‏الدین هر اسکانی فرستادند که سائل بود.»1

سپس دیوان سیّد ابی‏الرضا راوندی(ضیاءالدین فضل‏اللّه)یکی از علماء بزرگ‏ سدهء ششم بدست آمد که در یکی از قصاید آن راجع بهجوم عسا گر ملک سلجوق‏ ابن‏محمدبن ملکشاه بحدود کاشان سخن رانده و اسامی دیه‏های نطنز و کاشان را که‏ مورد تاخت و تاز واقع شده یک بیک ذکر نموده و در بیت 65 میگوید:

و هر اسکان فلا تسل ما نابها .........2

آقا سید جلال الدین محدّث همّت بچاپ این کتاب فرمود و در شناساندن‏ دیه‏های قدیمی جهد بسیار کرد.از آن جمله دربارهء هر اسکان از منابع گوناگون‏3 استفاده نمود تا بطور تقریب معلوم شد این دیه نزدیک بشهر کاشان بوده است.

در این ضمن سواد وقفنامه‏ای بدست آمد4بتاریخ رمضان سال‏703،که در آن‏ از قریهء هر اسکان و بیدگل و مختص آباد نام برده شده،و این سه دیه برای مصارف‏ دار السیّادهء کاشان وقف گردیده.ولی در وقف‏نامه حدود قریهء مزبور نوشته نشده،بدین‏ عذر که«هذه القری الثلاثة هناک مشهورة معروفة،مستغنیة من ذکر التحدید و التوصیف...»

تصادفا نسخهء اصلی سه وقفنامهء دیگر پیدا شد5بتاریخ 877،در یک طومار قدیمی،که امیر عمادالدولهء شیروانی مستغلات و مزارعی را برای مسجد معروف خود (1)-صفحهء 69 مقدمه آقای سعید نفیسی بر رباعیات بابا افضل چاپ 1311.

(2)-صفحهء 84 دیوان-چاپ اول 1334 مطبعهء مجلس.

(3)-اخبار اصفهان(ابونعیم)-محاسن اصفهان‏ (المافروخی)-تاریخ قم(حسن بن محمد بن الحسن-سدهء چهارم)

(4)-دفتر 1 و 2 جلد 4«فرهنگ ایران زمین».

(5)-دفتر 1 جلد 5 فرهنگ ایران زمین(مقالهء جناب آقای‏ سید حسین شهشهانی و متن هر سه وقف نامه).

و متعلقات آن(خانقاه متصل بمسجد و عمارت وقت و ساعت)اختصاص داده،و از آن‏ جمله است«چهارده شبانروز از اصل شانزده شبانروز قنات و اراضی مدعوه دولت آباد1 از مزارع حوالی مدینه کاشان»،و در تعیین حدود این مزرعه مینویسد:-«بحد اراضی یحی‏آباد2و بحد مزرعهء نصرآباد3و بحد قریه بائره هر اسکان و بحد بوار مزرعهء محمودآباد4».

قنات‏هائی که در قدیم مزارع نامبرده را مشروب میساخته هم اکنون وجود دارد ولی مقدار آب آنها بیش از آن نیست که قسمتی از محلات داخل شهر را در مسیر خود مشروب سازد.از قرار معلوم شهر کاشان درازمنهء سابق از آب چشمهء فین استفاده‏ می‏کرده و احتیاج بآب این قنوات نداشته و لذا تمام آب قنوات بمصرف مزارع‏ مربوطه میرسیده ولی پس از آنکه شهر از آب فین محروم گردیده آب قنوات را بمصرف داخل شهر رسانده‏اند،و مزارع دولت‏آباد،و نصرآباد و محمودآباد خشک‏ شده و در طول زمان اسامی آنها نیز از خاطرها رفته است.هرگاه با مطالعات فنی بتوان‏ معلوم نمود که جریان آب این قناتها در خارج شهر بکدام طرف بوده آن وقت معلوم‏ خواهد شد که مزارع دولت‏آباد و نصرآباد و محمودآباد در چه نقاطی وجود داشته است‏ و با در نظر گرفتن محل مزرعهء یحی‏آباد که هنوز بهمین اسم وجود دارد و مجاور ایستگاه راه آهن است،ممکن خواهد بود که محل قریهء هر اسکان را هم تعیین کرد.

مؤلف کتاب محاس اصفهان‏5،مفضل‏بن سعدالمافروخی،قریهء هر اسکان را جزو«ابروز»آورده و برای«ابروز»قناتی بنام«اسفیذاب»معرفی کرده که‏ «مغیضها بقریة فین»است.فعلا در اراضی جنوب‏شرقی متصل بشهر کاشان گورستان‏ بزرگی باسم«دشت افروز»وجود دارد و قنات«سفیدآب»فین هم بهمان اسم باقیست. اگر دشت افروز کنونی بازماندهء«ابروز»باشد که صاحب محاسن ذکر نموده‏ (و این تصوری است بحقیقت نزدیک زیرا قنات سفیدآب مشرف بدشت افروز است) (1)-مظهر قنات دولت‏آباد اکنون جنب دروازه فین و آرامگاه قاضی اسد است.

(2)یحیی‏آباد وصل بکوی پشت مشهد و شامل اراضی ایستگاه کنونی راه‏آهن است.

(3)قنات نصرآباد یک جا از روی قنات دولت‏آباد میگذرد.

(4)فعلا قناتی باسم محمود خانی وجود دارد طرف دروازه‏ اصفهان.

(5)سدهء پنجم-چاپ آقاسید جلال‏الدین طهرانی-صفحهء 16.

آنوقت تعیین محل قریهء هر اسکان آسان‏تر میشود و لا اقل میتوانیم بگوئیم‏ که این دیهء قدیمی در اراضی حد شرقی کاشان واقع بوده.ولی مسئلهء حل نشده‏ اینست که همین ما فروخی برای قریهء هر اسکان بوجود خندقی قائل است و مینویسد «توده‏های ریگ مانند کوهها روان و سیّال گرد بر گرد خندق انتقال میکند»1و در حال حاضر تپهء ریگ روان در ناحیهء بین فین و دشت افروز وجود ندارد.بعلاوه‏ میگوید هر اسکان در نیم فرسنگی درام است در صورتیکه اگر مقصود از درام مزرعهء فعلی درم باشد(که نزدیک قریهء شکان است)،ناحیهء فین و دشت افروز بیش از اینها از درم فاصله دارد.

امّا راجع باینکه قریهء هر اسکان در چه موقع آباد بوده و چه وقت و بچه علت‏ از میان رفته-در وقفنامهء مورخ رمضان 703 که قبلا بآن اشاره گردید نوشته شده: «با وجود لطمهء شدیدی که لشکریان ملک سلجوق در سدهء ششم به هر اسکان وارد ساخته‏اند...»،و از این عبارت کاملا آشکار می‏شود که قریهء هر اسکان در اوایل‏ سدهء هشتم چندان آباد بوده که مقداری از عواید آن قسمتی از مخارج دارالسیّادهء کاشان را تأمین میکرده است ولی در نیمهء دوم سدهء نهم که مسجد امیر عماد الدوله‏ در کاشان بنا شده در وقفنامهء مربوط بعمارت وقت و ساعت،هر اسکان را قریهء بائره‏ خوانده‏اند.آیا این تغییر وضع در اثر بی‏مبالاتی متصدیّان پیش آمده یا علت دیگر داشته معلوم نیست و شاید روزی برسد که این قسمت هم روشن شود-ان شاء اللّه تعالی.

از جناب آقای صالح که چنین مقاله‏ای تحقیقی به مجلهء یغما لطف کرده‏اند ممنونیم و امیدواریم‏ این رشتهء محبت را نگسلند،و اکنون که در تاریخ کاشان مطالعات و تحقیقات میفرمایند خوانندگان‏ یغما را بی‏بهره نگذارند.

(1)-چاپ عباس اقبال-صفحهء 37.